

جنبه‌های مشارکت جوانان در آمریکای لاتین*

مترجم: ع. ضرغامی

مشخص بودن جنبش دانشجویی در آمریکای لاتین

به طور کلی، اصطلاح "جوانان آمریکای لاتین" این گرایش را دارد که با جنبش دانشجویی تداعی گردد، و این تطابق بی‌پایه نیست، چرا که این دانشجویان هستند که عادتاً "نیرومندترین شرکت‌کنندگان در زندگی اجتماعی و سیاسی قاره هستند (و بوده‌اند). این مطالعه مرتب در امور جامعه، که برای چند قرن سنت بوده است، جوانان آمریکای لاتین را از جوانان سایر مناطق دنیا جدا می‌سازد.

درگیری دانشجویان در جامعه سابقه طولانی دارد. مثلاً یونیورسیداد مایور دوسان مارکوس دولیما، قدیمی‌ترین دانشگاه آمریکای لاتین، در سال ۱۵۴۲ با فرمانی از پاپ تأسیس شد که "استقلال محوطه دانشگاه" را به رسمیت می‌شناخت و مشارکت دانشجویان در اداره دانشگاه را پیش‌بینی می‌کرد. می‌شود دید که این آزادی عمل دانشگاه را قادر ساخته است، که در طول تاریخش، خود را از محیط تسلیم طلب اطرافش جدا ساخته و به عنوان نیروی پیشرو برای عقاید و اقدامات مترقی فعالیت کند. در عصر مخالفت با دانش، جدیدترین اعتراضها به قدرتهای محاکم تفتیش عقاید از دانشگاهیان برآمد. نظرات راجع به استقلال اولین بار در دانشگاهها تبلیغ شد و پس از آن "بنیانگذاران جمهوری" مردم دانشگاهی بودند.

طریقی که، در این اواخر، یعنی در آغاز قرن حاضر، دانشجویان یک نیروی اجتماعی یکپارچه را تشکیل دادند، تصویر روشنتری را به دست می‌دهد. جنبش برای اصلاح دانشگاه که در ۱۹۱۹ توسط

* Edgar Montiel. "Aspects of youth Participation in Latin America".

Prospects. Vol. XIV, No. 2, 1984. PP. 249- 59.

ادگار مونتیل (پرو). جامعه شناس، مشاور کمیته مکزیک برای سال جهانی جوانان و مدیر طرح تحقیقاتی درباره "پرورش جوانان" که در مرکز تحقیقات جهان سوم (CEESTEM) در مکزیک در حال انجام است.

1. Universidad Mayor de San Marcos de Lima.

گریتو اینسورکسیونال دوکوردوبای^۱ معروف (فریاد شورشگر کوردوبا) بر پا شد بهانگر قدرت این نیروی اجتماعی است. دانشجویان یک اصلاح دانشگاهی را به انجام رساندند که در میان سایر دستاوردها، دمکراتیزه (= مردمی) کردن ساختارها، انتصاب استادان برپایه رقابت، استقلال سازمانی، آزادی انجمنها، به رسمیت شناختن ارتباط دانشگاه با مردم و حق رد کردن انتصابهای هیئت علمی را در برداشت.

جنبش اصلاح دانشگاه، که اغلب توسط تاریخ نویسان نیمه رسمی ناچیز شمرده شده است، نقشی اساسی در تکامل نهادهای سیاسی و اجتماعی تازه ایفا کرد. بسیاری از این نهادها (احزاب سیاسی، ساختارهای دانشگاهی و روش حکومت) در گرما گرم جنبش دانشجویی ساخته شدند. در سطح ملی، جنبش زمینه را برای وحدت دانشجویان فراهم کرد (با پذیرش فدراسیونهای دانشجویی به عنوان اتحادیه‌های قانونی) و به یک بسیج عمومی منتهی شد که ساختارهای دانشگاهی آمریکای لاتین را لرزاند. جنبش گرایش "کشاورزی - فئودالی" دانشگاه را به گرایشی در ارتباط نزدیکتر با سرمایه‌داری امروزی تغییر داد.^۲ انگیزه برای تغییر، چنان اساسی بود که از دانشگاهها به درون جنبش پر شور همگانی که در آن زمان برای هشت ساعت کار در روز، قانون کار و حق داشتن اتحادیه‌های کارگری مبارزه می‌کردند، سرریز کرد. این خواسته‌ها توسط "دانشگاههای خلقی" و طرحهای "بسط فرهنگی دانشگاه" که توسط اصلاح طلبان بر پا شده بود پشتیبانی می‌شد و از طریق این مجاری، برجسته‌ترین استادان و دانشجویان پیامهای سیاسی و فرهنگی خود را به مردم می‌رساندند. معروفترین این دانشگاههای خلقی، "گونزالس پرادا"^۳ بود که توسط هایادولاتور^۴ و خوزه کارلوس ماریاتگی^۵ تأسیس شده بود.

در سراسر قاره، گریتو دوکوردوبا اثری شگفت‌آور در سالنهای سخنرانی و دانشکده‌ها بر جای گذاشت. برای اولین بار در آمریکای لاتین، دانشجویان برای مرزهای خویش فعالیتهای هماهنگی انجام

۱. grito insurreccional de Cordoba (نام یک جنبش دانشجویی سراسری در

آمریکای لاتین است.)

۲. برای یک بررسی جامع جنبش اصلاحی به: Mariátegui, Universidad: Ciencia Y revolución,

Edgar Montiel نوشته، چاپ، Universidad Mayor de San Marcos, Lina, Amauta, 1978

رجوع کنید - منبع دیگری از عقاید جالب توجه کتاب Las revoluciones inconclusas en America Latina (1809-1968) Mexico City, Siglo XXI, 1968.

نوشته Orlando Fals Borda است.

3. Gonzalez Prada
4. Haya de la Torre
5. Jose Carlos Mariategui

می‌دادند. در کنگره‌های پر از دجاج در کوزکوا، هاوانا و مکزیکوسیتی، که هیئت‌های خارجی هم در آنها شرکت داشتند، برنامه‌های فعالیت مشترک راهبردهای (استراتژیهای) قاره‌ای تصویب شد و توجه به مسائلی که بعداً اهمیت حیاتی می‌یافتند جلب گردید، از قبیل توسعه ملی، استقلال اقتصادی و رابطه علی بین امپریالیسم، توسعه نیافتگی و استقلال که مفاهیم رایج در ECLA (کمیسیون اقتصادی برای آمریکا لاتین) در سالهای دهه ۱۹۶۰ بودند، بدون اینکه از موضوعهای حاد سیاسی از قبیل جنبه ملی، انقلاب اجتماعی، آزادی‌سازی ملی، مبارزه ضد امپریالیستی و اتحاد کارگران - دهقانان و دانشجویان آذکری نمایم که اکنون در میازرات آزادیبخش ملی در آمریکا لاتین مورد پذیرش عمومی هستند.

با معرفی شدن اصلاحات، کم کم حضور جوانان - به عنوان یک نیروی اجتماعی - در جامعه احساس شد و آنان کماکان نیروی محرک در مبارزه اجتماعی شهری هستند. این موضوع یک محقق آمریکایی را وادار ساخته است، با نوعی اشتیاق، اشاره نماید که دانشجویان دانشگاهها در آمریکا لاتین "از نظر سیاسی فعالترین و قویترین دسته‌های دانشجویی در جهان" هستند و او محق بود. در آمریکا لاتین، همسنگ با جنبش ماه مه ۱۹۶۸ فرانسه، در سال ۱۹۱۹ اتفاق افتاد، و شاید وقایع پاریس تأثیر کمتری از گریتو اینسورگسیونال دوگوردویا بر مسیر تاریخ داشت. با توجه به مقیاس این عمل‌گرایی، ممکن است با رابین بلک برن^۴، نماینده برتراند راسل فیلسوف در کنفرانس سه قاره درباره تجربه جنبش "دانشجویی در اروپا" و آمریکا شمالی، هم عقیده باشیم که می‌گوید:

"اگر ما در اروپا اطلاع بیشتری از فعالیتهای دانشجویی آمریکا لاتین داشتیم، این امر نه فقط بیان حقیقتی پشیمانی را به وجود می‌آورد بلکه همچنین ما را قادر می‌نماید که از تجربه و شیوه‌های مقاومت آنان بیاموزیم. اکنون جنبش دانشجویی در آمریکا لاتین در سایه شرکت مستقیمش در جنبش انقلابی و در

1. Cuzco

۲. José Carlos Mariátegui احتمالاً با نفوذترین تحلیلگر جنبش اصلاح طلبانه است. به

7 ensayos de interpretacion de La "La reforma Universitaria" در "La reforma Universitaria" realidad peruana, Lima, Biblioteca Amauta, 1972.

صفحه‌های ۱۲۲ - ۱۵۱ رجوع کنید. شرحی از نظرات Mariátegui درباره اصلاحات در مطالعاتی تحت عنوان: "یک پیش‌آهنگ بررسی تحلیل اجتماعی: جی. سی. ماریاتگی، (مجله بین‌المللی علوم اجتماعی - پاریس - سال ۱۹۷۹) دادیم.

۳. جوزف فیشر (Joseph Fischer)، دانشجویان دانشگاه در آسیای جنوبی و جنوب شرقی، مینروا (Minerva) جلد I، پاییز ۱۹۶۳، ص ۴۸.

4. Robin Blackburn

مبارزه برای استقلال دانشگاه و اصلاحات، احتمالا "پیشرفته ترین جنبش دانشجویی در جهان است، این جنبش از این نظر استثنایی است."^۱

جوانان ۲ به عنوان یک منبع تحول

غالباً "توجه شده است که "جوانان" آمریکای لاتین همیشه یک گروه اجتماعی مشخص را تشکیل دادند اما کمتر ملاحظه شده است که افراد جوان نیروی اجتماعی شده اند که فقط تحت شرایط تاریخی خاص باید با آنان برخورد کرد. به این ترتیب دسته بی شکل بیولوژیکی - اجتماعی که آنها تشکیل می دهند، هدفی را به دست می آورد، نمونه های عادی رفتاری و درجه ای از سازمان یابی مبتنی بر نسل خویش را در پیش می گیرد و حتی بر سر تقاضاها و آرمانهای اجتماعی - سیاسی هم کم کم به توافقهایی می رسد. در جوامع ملی هیچ جنبش جوانان یگانه ای وجود ندارد بلکه شبکه ای از جنبشهای جوانان دیده می شود که منشأهای اجتماعی و موقعیتهای اقتصادی مختلفی دارند. با وجود این ممکن است در آنها برخی نقاط اشتراک، آرمانهای مرتبط با گروه سنی و نمونه های مشابه رفتاری، دیده شود و این مربوط است به تجربه مشترک آنها از سبادهایی که زندگی را اجتماعی می کنند نظیر مدارس، دانشگاهها، خدمت وظیفه (واقعا ")، والبنه و سایر ارتباط جمعی که بخش عمده ای از وقت آنان را می گیرد. اینها نهادهای شکل دهنده ای هستند که افراد جوان با زمینه های گوناگون اجتماعی و اقتصادی را در یک قالب می ریزند.

با نگاهی به جنبش اصلاح دانشگاه، می شود این طور فرض کرد که از آن زمان در تاریخ، "جنبش جوانان" آمریکای لاتین، جای مشخصی در طیف جنبشهای اجتماعی وجود داشته است. در نتیجه روند توسعه شهری - صنعتی، این جنبش جوانان به انواع گوناگون گروههای مختلف منشعب شده است، چنان که در زیر خواهیم دید.

جنبش اصلاح طلبانه امتیازهای مهم سیاسی برای کل جامعه کسب کرد و فرایندی را به حرکت درآورد که به پایداری احزاب عمده سیاسی، جفا و راست، منتهی شد که تاکنون به زندگی سیاسی تازه روح دادند. احزابی با اهمیت غیر قابل انکار همچون یونیون سوسیال رادیکال^۳ (که در آرژانتین در قدرت است)، آکسیون دموکراتیک^۴ (که در ونزوئلا در قدرت است) یا آلیانزا پوپولار آمریکانسیا^۵

۱. مجله OCLAE، جلد I، شماره ۵، مارس ۱۹۶۷، ص ۱۲، نقل قول شده توسط Mario

Mencia در Fovenes de esta America، کوبا، ۱۹۷۸.

2. Muchachos (پسران)
3. Union Civica Radical
4. Accion Democratica
5. Alianza popular Americana-APRA

(که دومین گروه ائتلافی انتخاباتی در پرو است)، همچنین بسیار قابل توجه است که چند دهه بعد جنبش با منشأ دانشگاهی، "موریمینتو ۲۶ دوخولیو" و "دیرکتوریو استودیانتیل" ۲، اولین جنبشهایی بودند که از طریق انقلاب در آمریکای لاتین قدرت را به دست گرفتند و در ۱۹۷۹ وقایع نیکاراگوا به عنوان انقلاب جوانان توصیف شد.

سهم دیگر جنبش اصلاح طلبانه، به راه انداختن مباحثه درباره مسائل جوامع آمریکای لاتین بود: برای اولین بار یک جنبش اجتماعی در تلاش برای اندیشیدن درباره وضعیت قاره و چاره‌های ممکن دست به کار شد. این مباحثه، مسئله توسعه، همه جانبه، استقلال اقتصادی، نیاز به اراده سیاسی مستقل، دفاع از منابع طبیعی در برابر شاخکهای امپریالیسم، لزوم یا عدم سرمایه‌گذاری خارجی و البته ساختارهای انعطاف ناپذیر قدرت گروه محدود حاکم را در برمی‌گرفت. این مجموعه موضوعهای پیوسته به دنبال هم نوعی مسلک (= ایدئولوژی) توسعه را به وجود آورد که بعدها اغلب برنامه‌ریزیهای سیاسی ملی قاره را پایه‌ریزی کرد، به طوری که در تاریخ اندیشه‌های آمریکای لاتین، این دورهای با اهمیت حیاتی بود. واقعیتی غیر قابل انکار است که در زمانهای اخیر محیط دانشگاه این سنت را ادامه داده و نسبت به اندیشه‌های ابداعی بسیار پذیرا بوده است، گاه ناشی از علاقه به تغییر به خاطر تغییر و گاه در تلاش یافتن راه‌حل برای شرایط دشوار آمریکای لاتین. در سالهای اخیر نظریه‌های جدیدی در این محیط پذیرفته شده است، مثلاً "در خصوص تفسیر تاریخی-ساختاری توسعه نیافتگی، پدیده "وابستگی" و "جامعه‌شناسی استعمار"، عقاید پائولو فریره ۳ درباره آموزش برای آزادی، مباحثه درباره "فرهنگ سلطه‌گری" که توسط آگوستو سالازار باندی ۴ و داریسی ریبیرو ۵ به راه افتاد، اندیشه‌هایی درباره "فلسفه آزادیبخش" توسط لئوپولدو زئا ۶، آبلاردو ویلگاس ۷، خولیو دوزان ۸ و انریکوئه دوس ۹ و مباحثه برانگزائنده درباره ادبیات آمریکای لاتین از اکتاویوپاز ۱۰ و کارلوس فونتنس ۱۱ به روبرتو فرناندز رتامار ۱۲ و آلخو کارپنتیر ۱۳ یک بار دیگر بحث و جدل دانشگاه به عنوان نیروی محرکی که به اصلاح سیاستها در سطح ملی منتهی می‌شد، عمل می‌کرد. بنابراین دانشگاه می‌تواند به عنوان گیرنده و اناعه دهنده افکار بسیار با نفوذ، در نظر گرفته شود.

به این ترتیب دانشجویان دانشگاهها می‌توانند نقشی اساسی هم در بیان نظری اندیشه‌ها و هم در کاربرد آنها در کارهای اجتماعی ایفا کنند. این نیروی بالقوه برای مداخله در امور، حتی زمانی اهمیت بیشتری کسب می‌کند که انسان در نظر بگیرد جوامعی که در آنها افراد جوان فعال هستند جوامعی تحت حکومت اقلیت و انعطاف ناپذیر هستند که کوشش برای سازماندهی مستقل و خلاص توسط

1. Movimiento 26 de Julio
2. Directorio Estudiantil
3. Paulo Freire
4. Augusto Salazar Bondy
5. Darcy Rebeiro
6. Leopoldo Zea
7. Abelardo Villegas

8. Julio de Zan
9. Enrique Dussel
10. Octavio Paz
11. Carlos Fuentes
12. Roberto Fernandez Retamar
13. Alejo Carpentier

گروههای اجتماعی مرتبا تحت نظارت است و جنبشهای مردمی همیشه توسط مقامهای دولتی بدسرمت شناخته نمی شود. در نتیجه در کشورهای با نظامهای سیاسی مستبدانه، افراد جوان نهادهای غیر رسمی خود را در حاشیه نظم دولتی حاکم می سازند و مشروعیت خود را (به جای پذیرش قانونی) از پذیرش اجتماعی می گیرند.

یک جنبش هوشیار و گوش به زنگ جوانان، غالبا در وقایعی که در توسعه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قاره رویدادهای مهمی بوده اند، شرکت داشته است. مثلا انقلاب کوبا، فعالیتهای سوسیالیستی اوئیداد پوپولار، مبارزه برای ملی کردن کانال پاناما، دفاع از منابع ملی، حق آموزش رایگان، احترام به حقوق بشر، مبارزه برای کسب سرمایه های عمومی بیشتر برای آموزش، و بسیاری چیزهای دیگر. بنابراین منطقی است ادعا شود که جوانان آمریکای لاتین نیروی اجتماعی هستند که برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کار می کنند. به عنوان یک جنبش جامعه شناسانه، این مشارکت، سهم عمده این جنبش است.

وقتی که اعتراض عاملی در توسعه است

در برخی از نظامهای سیاسی آمریکای لاتین حتی حداقل پیش بینی قانونی برای مشارکت افراد جوان و در برخی موارد حتی حداقل مشورت با جوانان در مسائلی که به آنان مربوط می شود (مثلا بهداشت، آموزش، خدمت نظام یا ورزش) پیش بینی شده است؛ با وجود این، در چنین شرایطی، جنبش جوانان فعالیتهای خود را تشدید می کند، و غالبا به عنوان یک پیشرو سیاسی عمل می نماید تا امتیازهای اقتصادی و اجتماعی از حکام بگیرد یا حتی نیروی رهبری کننده برای سرنگون ساختن دیکتاتورها باشد.

"فاینچویان امروز به شدت در برابر اشغال نظامی دانشگاه که توسط حکومت دستگیر شده اند مقاومت کردند. نتیجه برخوردها بست و پنج مجروح بود، که حال هشت نفرشان وخیم است. دولتین تقریباً از حمله معاون دانشگاه دستگیر شدند. این تصمیم به آن جهت گرفته شد که حکومت دانشگاه را منبع خرابکاری و در خدمت منافع جریکهای شهری می داند." (آل سالوادور، ماه مه ۱۹۸۰)

1. Aldo E. Solari, Los Movimientos Estudiantiles Universitarios en América.

(مترجم: مقاله برای هشتمین کنفرانس آمریکای لاتین درباره جامعه شناسی، سان سالوادور، سپتامبر

۱۹۶۲)

۲. این اخبار از مخبران آزادسهای خبری IPS, AFP, UPI و EFE، چاپ شده در مطبوعات آمریکای لاتین گرفته شده است.